



میو آمایی

افزایش قیمت ها و خریداران

گفت و گو با جمشید یارامی

هشتادمین سال تولد صفوت

ضعف پژوهشی در سینمای مستند



گفت‌وگو با فرهاد ورهرام کارگردان سینمای مستند ایران

ضعف در پژوهشی، فاصله زیاد با مخاطب

علیرضا نگهبان

یعنی به دموکراتیزه و لیبرال شدن سینما به وسیله تکنولوژی اعتقاد ندارید؟ چون سینما به همان اندازه که دموکراتیک و آزاد شده، شلختگی هم به وجود آورده، عکاسی در سینما از بین رفته، صدا از بین رفته، تدوین هم خیلی شلختگی دارد، یعنی سیستم اجازه فکر کردن را به شما نمی‌دهد چون عجله دارید و جواب می‌خواهید. اما سایدی هم مستند که با تکنولوژی خوب کنار آمده‌اند. بله، برای بعضی فرقی نمی‌کند. به کیارستمی هر چیز بدهید فیلم خوبی می‌سازد. اما من به طور کلی محافظه کار هستم، نمی‌شود که یک نفر در سینما همه‌کاره باشد، هم کارگردان هم فیلمبردار و هم تدوینگر، سینما یعنی تقسیم کار. فیلم مستند با مخاطب عام ارتباط مناسبی ندارد و ما با سینما مواجه هستیم. مقداری از علت این شکاف به دخالت‌های نهادهای قدرت مربوط می‌شود که دوست ندارند بین مردم و مستندسازی ارتباط برقرار شود. چون فیلم مستند آگاه‌کننده، افشاگر و مانند مطبوعات واجد صراحت لهجه است. این دلیل بسیاری مهمی است. به جز این دلیل شما چه دلایل دیگری را در عمیق‌تر شدن این شکاف مهم می‌بینید؟

دو دلیل دیگر هم وجود دارد: اول اینکه ساختار فیلم‌های ماکراتری و خسته‌کننده است. دوم عدم امکان نمایش فیلم مستند مگر همین چند خشنواره، اما عدم فعالیت جدی تلویزیونی هم به همان مطلبی برمی‌گردد که خودت اشاره کردی؛ «کنترل» یعنی هر فیلمی را نمایش نمی‌دهند. پس فیلم مستند کجا باید به نمایش گذاشته شود؟ خود مستند سازان هم نمی‌توانند فیلم‌های خود را ببینند. من چند سال قبل مصاحبه‌ای با محمدعلی ایناتلو داشتم درباره مستندسازی حیات وحش و از ایشان پرسیدم چرا نمی‌توانید لاقابل با ۵ درصد کیفیت کارگردانی مثل «بوید آن بری» فیلم بسازید. ایشان فرمودند امکانات BBC خیلی زودتر از ما است. این حرف برای من قابل قبول نیست چون فیلمسازهای ما حتی مبانی ابتدایی مستند حیات وحش را هم نمی‌دانند. حتی نمی‌دانند که در مستند طبیعت نباید از «تولوت و توم» این استفاده کرد. نباید دوربین را زیاد حرکت داد. این ربطی به امکانات ندارد. با یک هندی کم هم قابل اجراست. آیا عقیده من موافق هستند؟

کلاما فوق هستم. عقیده تو کاملا منطقی است. باید تولید در ایران و بریتانیا را مقایسه کنیم. در آنجا همیشه کار مفکرانه‌تری مستند که پشت کار قرار می‌گیرد. تقسیم کار در فیلم‌های ما متشکر و سپاسگزارهای از عوامل گروه بیشتر است.

یک بخش دیگر مربوط به تلویزیون می‌شود. از قدیم گروه‌های تحقیقی تلویزیون آدم‌های جدی و پیکری نبودند. من فکر می‌کنم پژوهش فیلم باید به دانشگاه بازگردد و همه چیز آکادمیک آموزش داده شود. اما توجه کنید که هر تحقیقی هم به درد فیلم مستند نمی‌خورد. مثلا تحقیق آماری با رقم و عدد و جدول زیاد به درد فیلم مستند نمی‌خورد. پژوهنده مستند شخصی است که درک مطلوبی از فیلم مستند دارد.

یعنی با عناصر بصری و مفهوم سینما تو گرافی آشنا باشی؟ صد درصد. اما در حال حاضر تمام این زحمات بر گردن خود کارگردان افتاده، اگر هم ضعیفی در بخش تحقیق می‌بینید به همین دلایل است.

شما هم قبل از انقلاب به مقایسه سینمای پراخه‌اید و هم پس از انقلاب. می‌توانید یک مقایسه اجمالی بین این دو دوره در زمینه مستندسازی داشته باشید؟ اگر بخوامم شاخص‌های برجسته سینمای مستند را نام ببرم باید به قبل از انقلاب توجه کنیم. شکر قایی مستندسازی که اخیرا برخی‌ها ادعا می‌کنند اغراق آمیز است. کارهای خوبی بعد از انقلاب ساخته شده اما آنچنان که باید حائز اهمیت نیستند.

نقاط برجسته سینمای مستند قبل از انقلاب را برایشان نام ببرید.

وقتی می‌خواهیم درباره مستندسازی کلاسیک و قوی ایران صحبت کنیم باید به ساخت فیلم‌هایی چون موج، مرجان و خارا، خانه سیاه است، فیلم‌های کامران فیروز، ناصر تقوایی، هزیر داریوش و امیر نادری توجه کردیم. ما مادر سینمای مستند و شخصیت برجسته و درکن اساسی داشتیم، مرحوم فردین رحمان و ابراهیم گلستان که در دو جبهه به فعالیت مشغول بودند؛ یکی در تلویزیون و دیگری در شرکت نفت. این دو نفر در ساختار مستندسازی ایران نقش بسیار مهمی داشتند. سینمای بعد از انقلاب بیشتر موضوع محور بوده است.

واضح تر توضیح دهید.

یعنی وقتی از تاریخ‌شان بگذرد ارزش‌شان کم‌شان می‌شود. اما این در حالی است که به لحاظ سخت‌افزاری خیلی مجیزتر شده‌ایم. قبل از انقلاب امکانات خیلی محدود بود. شما در حال حاضر با چه دوربینی کار می‌کنید؟

دیجیتال با ۳۵ میلی‌متری؟

استفانه این سه فیلم اخیرا هم رولد شده و ویدئو کار کردیم. اگر ۱۶ میلی‌متری ازین ترفته بودی ترجیح می‌دادم با آن کار کنم. تجهیزات ویدئو و دیجیتال به همان اندازه که به سینما کمک کرده از طرف دیگر ضربه و خسارت هم زده است.

شما در بخش اصلی مردم‌شناسی و محیط‌زیست به مستندسازی می‌پردازید. این دو موضوع در بسیاری از موارد نوعی هم‌پوندی یا یکدیگر دارند اما علاقه اصلی شما کدام است؟

ابتدا باید نکته‌ای را اصلاح کنم. فیلم‌های من به اشتباه در ژانر مستند مردم‌شناسی شناخته شده‌اند. اینگونه مستندسازی که من می‌گویم «مردم‌نگاری» است. مردم‌نگاری یعنی ثبت و ضبط یک واقعه در جغرافیایی خاص. اما مستند مردم‌شناسی فیلم‌هایی تحلیلی هستند. بدین ترتیب مستندسازی ژانر روش مردم‌نگاری است یا مردم‌شناسی؟

به دلیل تحلیل کردن روابط و موقعیت‌های انسانی ژانر روش فیلم‌هایم مردم‌شناسانه است. مثلا وقتی به مراسم ازاره در آفریقا می‌پردازد علل و دلایل این بیماری را هم بررسی می‌کند. اما فیلم‌های من ضبط دقیق یک آیین است. فیلم‌های زیست‌شناسی من هم دقیقا مستندهای علمی آموزشی نیست چون به هر حال انسان در طبیعت نقش دارد.

آثار شما یک پیش‌زمینه تحقیقی بسیار وسیع و قدرتی دارد اما با نگاهی منجر می‌شود به پژوهش و در نتیجه می‌شود تحقیق و پژوهش در سینمای مستند که رنگ‌تر شده است. به نظر شما دلیل این کم‌اهمیتی پژوهش در ایران چیست؟

با شما موافق هستم. خود من شانس بزرگی آوردم که در سال ۱۳۵۲ با شخصی مثل افشار نادری آشنا شدم و به دانشکده علوم اجتماعی رفتم. در همان جا بود که سنت تحقیق دانشگاهی را آموختم. علاوه بر فیلمسازی با گروه‌های پژوهشی هم به‌طور جداگانه کار می‌کردم. حتی در چند پروژه پژوهشی به عنوان عکاس حضور داشتم. بعد از انقلاب هم با چندین طرح جامع مطالعات اجتماعی کار خود را ادامه دادم. در بین همین پژوهش‌های علمی بود که من موضوعات عکاسی و ایده‌های فیلمسازی خودم را به دست می‌آوردم. در کشور ما مستندسازان مشکل زیادی در زمینه تهیه‌کننده و حامی‌مالی دارند.

یعنی تهیه‌کنندگان به خوبی کار خود را انجام نمی‌دهند؟ تهیه‌کننده سازماندهی امر تحقیق را بر عهده دارد. یعنی تحقیق یک مرحله کاملا مستقل است که باید تا حدودی جلو برود و بعد از آن تهیه‌کننده به سراغ کارگردان می‌رود. اما این سنت در ایران وجود ندارد و پژوهش فیلم را خود کارگردان بر عهده می‌گیرد.

عوامل دیگر ضعف در حوزه تحقیق چیست؟

بخش فیلم مستند «خلوت جنگل» اثر مستندساز برجسته ایرانی فرهاد ورهرام در خانه هنرمندان ایران و همچنین برگزاری مراسم تقدیر از این هنرمند پیشکسوت توسط مجله بخارا در هفته گذشته باعث شد پای صحبت‌های مفید او بنشینم. صحبت‌های گویا، شفاف و در زمینه هنر سینمای مستند و چالش‌های پیش روی آن.

فرهاد ورهرام! شما یکی از فعال‌ترین مستندسازان ایرانی هستید اما متأسفانه عموم مردم به خوبی با شما آشنایی ندارند. مایل هستم مختصری از شرح حال شما را از زبان خودتان بشنوم.

من پس از نیمه کار گذاشتن مدرسه سینما به دانشکده هنرهای دراماتیک رفته و درسم را آنجا تمام کردم. در سال ۱۳۵۲ به عنوان فیلمبردار در سازمان جنگل‌ها مشغول به کار شدم و از همان سال در دانشکده علوم اجتماعی در بخش فیلم و مردم‌شناسی به فعالیت پرداختم.

این بخش توسط چه کسی راه‌اندازی شده بود؟ مرحوم افشار نادری این بخش را برای دانشجویان رشته مردم‌شناسی راه‌اندازی کردند که اگر دانشجویان در آن کار شدم و از همان سال در دانشکده علوم اجتماعی در بخش فیلم و مردم‌شناسی به فعالیت پرداختم.

این بخش توسط چه کسی راه‌اندازی شده بود؟ مرحوم افشار نادری این بخش را برای دانشجویان رشته مردم‌شناسی راه‌اندازی کردند که اگر دانشجویان در آن کار شدم و از همان سال در دانشکده علوم اجتماعی در بخش فیلم و مردم‌شناسی به فعالیت پرداختم.

این بخش توسط چه کسی راه‌اندازی شده بود؟ مرحوم افشار نادری این بخش را برای دانشجویان رشته مردم‌شناسی راه‌اندازی کردند که اگر دانشجویان در آن کار شدم و از همان سال در دانشکده علوم اجتماعی در بخش فیلم و مردم‌شناسی به فعالیت پرداختم.

این بخش توسط چه کسی راه‌اندازی شده بود؟ مرحوم افشار نادری این بخش را برای دانشجویان رشته مردم‌شناسی راه‌اندازی کردند که اگر دانشجویان در آن کار شدم و از همان سال در دانشکده علوم اجتماعی در بخش فیلم و مردم‌شناسی به فعالیت پرداختم.

حکیم موسیقی به مناسبت هشتادمین سال تولد داریوش صفوت

سودابه فضایی

حکیم کیست؟ آنکه حکمت و فلسفه می‌داند، آنکه معیار زندگی‌اش اخلاقیات است و آنکه آموخ و چویش به تمامی کائنات سر کشیده و تمامی زمان‌ها را در بر گرفته و از این رو تمامی امواج مثبت هستی را پذیرفته است. در مقدمه ناشر بر کتاب «گفتار درباره فلسفه موسیقی» تألیف دکتر داریوش صفوت، صفوت به حق، حکیم خوانده شده، چرا که او تمامی صفات یک حکیم را داراست. سه‌تار و سنتور سازهای مرجع او هستند و هرچند تحصیلات خود را در رشته حقوق بین‌الملل به پایان رسانده، اما همه عمر را صرف موسیقی کرده؛ چه در نواختن ساز و چه در تعلیم موسیقی به هنرجویان.

اگر تا امروز موسیقی سنتی ایران حذف شده به برکت وجود اوست، زیرا با تاسیس سازمان حفظ و اشاعه موسیقی، نه تنها استادان قدیم را از نظر مادی و معنوی پشتیبانی کرده، بلکه به کمک این استادان شاگردانی تربیت شده‌اند که اینک خود استادان موسیقی هستند.

صفوت در فلسفه و طرز تفکراتش از زندگی، همواره بر اخلاق تأکید داشته، او اخلاق را چون جاده‌ای به سوی کمال و حقیقت‌طلبی می‌داند؛ به زعم او در هر زمینه و به طریق اولی در هنر که رفیق‌ترین و حساس‌ترین رچه رویارویی با خداوند است، اخلاق اساسی‌ترین پایه‌ها برای تفکر است.

او هنر را مخلوق غیرمستقیم خداوند می‌داند، که به اراده خداوند، به وسیله روح انسان به وجود می‌آید، سپس عینی شده و آوازی می‌گردد؛ یعنی روح انسان است که از خداوند الهام می‌گیرد و هنر را به وجود می‌آورد.

او به صراحت می‌گوید که در هنر، نهایتا تهیه به زیبایی ظاهری اکتفا کرد، زیرا روح هنر در صورت بستن درجه الهام فرو می‌میرد و هنر به تکرار و ابدال می‌رسد، اما اگر در خلق هنری سیم ارتباطی با عالم معنا وصل باشد، آنگاه است که هنر دارای زیبایی‌باطنی و حقیقی خواهد شد و از طریق این زیبایی‌باطنی است که می‌توان همه کائنات را تغییر داد؛ توجیه کرد و بدیهی است که رسیدن به این زیبایی جز عشق الهی انگیزه‌ای ندارد.

در موسیقی او و در کتاب‌ها و نوشته‌ها و سخنرانی‌هایش، همواره ارتباط میان عرفان و موسیقی موج می‌زند. او می‌گوید اگر هنرمندی خود، پاک و پرهیزگار نباشد، ممکن نیست شخصاً به خوبی‌بختی برسد و یا به مخاطب خود معنوی و بالقا کند.

حضور صفوت در هنر موسیقی ایران یک غنیمت است، چرا که نه تنها با نواختن ساز، ذرات ملکوتی نعمات را به ترمیم آورده و مخاطبان خود را به ملکوت برده، بلکه به صدها هنرجو موسیقی آموخته و امکان آموختن موسیقی را برایشان فراهم آورده که آنان نیز با هر نعمه‌ای که می‌توانند، ذراتی از آن را مدیون حضور صفوت بوند.



سودابه فضایی



داده در صفحه ۸